

## از میان رضایت نامه ها / صمد بهرنگی

در مدرسه ای در یکی از روستاها، از شاگردان خواسته بودیم که از پدرشان رضایت نامه ای بگیرند و بیاورند. از دویست نفر شاگرد، فقط یکی بود که پدرش از او راضی نبود. دیگر شاگردان رضایت پدر و مادر خود را فراهم کرده بودند! اما در این میان جمله های خوشمزه و بی معنا نیز وجود داشت که چند تا از آنها را در زیر برایتان می نگارم.

۱- «حضور مبارک مدیر آقای دبستان!»

محترما معروض می دارم! که ... و جعفر از حیث اخلاق ظاهر و باطنی؟ رضایت بخش است!».

۲- «ضمن عرض سلام اینجانب از رفتار و گفتار حسین رضایت کامل! دارم.»

۳- «حضور آقای مدیر! دام شوکته!! بعد از ابلاغ سلام؛ دیگر عباس در خانه بد نیست ولی دست چپ می نگارد!»

۴- «آقای مدیر، ما از اخلاق این؟ راضی هستیم. اگر حرف! بگوئیم گوش می دهد، نماز می خواند، کار می کند.»

۵- «بخدمت آقای مدیر پس از سلام ما از اخلاق و رفتار غدیر راضی هستیم، در خانه نسبت به برادر بزرگ خود احترام می کند، کارهایش را که تمام کرد بدروس خود متعاله! می کند و در کوچه به بزرگان احترام می کند و همه اهل کوچه از او راضی هستند.»!

۶- «محترما معروض! می دارم خیلی منون! شدم، هیچ رنجه نشدم- رزاید! دارم.»

۷- «به خدمت ذی شرافت مدیر دبستان: بنده از اخلاق و رفتار محمد رضا راضی هستم. اجرکم عندالله.»

۸- «پس از تقدیم عرض سلام اکبر در خانه از او راضی هستم و هیچ شوخی نمی کند!!»

۹- «احمد بچه خوب، بخانه می رسد پدر و مادر سلام می گوید و از مدرسه که از صبح ها می آئی! پدر و مادر خداحافظی می کنی! خلاصه احمد بچه با ادبی! است.»

۱۰- «از محمود راضی هستند، دروغ نگوید، بزرگان احترام! نماید.»

اسم پدرش: حاجی یوسف.»

۱۱- «حضور محترم آقای دانش آموز رسیده شرف افتتاح پذیرد! و اینجانب ... از طرف بنده زاده کمال رضامندی و خشنودی داریم! عمرکم طویل، عدوکم ذلیل!»

۱۲- «آقای معلم محسن: امیدوار که وجود نازنین صحت و سلامت بوده باشد و ... کبلائی قاسم!»

۱۳- «آقای آموزگار چهارم: غلامعلی شاگرد معذب! و از خود مواظبت می نماید. زیاده رحمت است!»

۱۴- «پس از سلام معروض بر اینکه در خانه با برادر و خواهر کوچکتر خود با مهربانی رفتار می کند.»

۱۵- «آقای معلم: این شاگرد در خانه با پدر و مادر خشرفتاری! میکند و همه از او راضی هستند و انشالله در آتیه شاگرد خوب و باعبد! می شود، انشالله.»

۱۶- «اینجانب از درس و رفتار خانگی سعید رزایت! دارم. امضاء: پدر اینجانب!!»

۱۷- «چون محترما خواسته بود که از احوالات اینجانب بنده زاده با خیر باشید. الحمدالله خوب است!!»

(غلط های نوشتاری مربوط به خود مطلب است؛ عاشقانه



## نثر طنز، معانی طنزآمیز واژگان / نصرت کریمی

نوکر = کسی که به تازگی کر شده باشد. یا کر نوین.

دست در کار = هنگامی که پا در کار نباشد.

دستکاری = دستی که کاری باشد.

کار دستی = کاری که با پا نتوان انجام داد.

دستمال = دستی که تمایل به مالیدن دارد.

دستور = دستی که به تور می زند.

دست به سینه = دستی که برای سینه زنی مناسب باشد.

دست چپ = دستی که چشمش چپ باشد.

دست راست = دستی که کج نباشد.

دست خالی = مثل نان خالی یا دست خال خالی.

دست خر = دستی که خر و بی شعور باشد.

دست فروش = کسی که دست می فروشد.

دست خیس = دستی که مدام در آب باشد.

دست دادن = کسی که دستش را به دیگری می بخشد.

دست نشانده = کسی که دستش را نشان می دهد.

دست رو کردن = کسی که دستش را پشت رو می کند.

دست شستن = کسی که پایش را نمی شوید.

دست چسبانکی = کسی که دستش آلوده به چسب باشد.

دست بکار = دستی که بی کار نباشد.

دست به آب = دستی که در آب باشد.

دستک دنیک = دستی که دنیک می زند.

خوش دست = دستی که خوشحال و خوش باشد.

دست کج = دستی که راست نباشد.

دست و دل باز = دستی که دلش بسته نباشد.

دست تهی = کسی که دستش سوراخ باشد.

دسته جارو = کسی که دستش مثل جارو باشد.

دست بند = النگوی مزاحم.

دست بزنی = وقتی که دست به زن دست می زند